



Research paper

Syria's strategic position in controlling security threats against the Islamic Republic of Iran

Mohammadreza Gharaei Ashtiani

Corresponding Author, Associate Professor, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

Email: papers99@chmail.ir



0000-0000-0000-0000

Mohammadali Roshannazar

PhD Student, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

Email: vakil.roshannazar@gmail.com



0000-0000-0000-0000

Abstract

The developments in West Asia and the spread of popular uprisings in the region have quickly led to different decisions by actors in their foreign policy. Iran's geopolitical capacities and its national security have been strongly influenced by the regional environment of the Middle East. After the Islamic Revolution of Iran, the formation of a coalition of Arab countries living on the periphery of the Persian Gulf under the leadership of Saudi Arabia forced Iran to adopt a deterrence strategy through the creation of a regional coalition within the framework of the axis of resistance. One of the most important applications of any military is the use of appropriate methods to maintain regional security for it, and the theoretical basis is based on the theory that just as specific internal strategies are considered to maintain the country's security, overseas strategies are also used. The present research, with descriptive and analytical method, specifically seeks to answer the question, what is the position of Syria in the deterrence strategy of the Islamic Republic of Iran against regional and international threats? The findings of the research indicate that Iran has defense layers in Syria, Iraq, Lebanon and Yemen, that Syria has not taken an aggressive side, but its basic goal is to create a deterrent and defensive system to deal with threatening sources in the region.

Keywords: strategy, regional security, Syria, Islamic Republic of Iran, deterrence.

E-ISSN: 2588-6541 / Center for Strategic Research / Quarterly of Foreign Relations

Quarterly of Foreign Relations is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.



 10.22034/fr.2023.406223.1410

جایگاه سوریه در راهبرد بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران علیه تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی

محمدرضا قرائی آشتیانی

نویسنده مسئول، دانشیار گروه مدیریت راهبردی دفاعی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.
Email: papers99@chmail.ir



0000-0000-0000-0000

محمدعلی روشن‌نظر

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.
Email: wakil.roshannazar@gmail.com



0000-0000-0000-0000

چکیده

تحولات غرب آسیا و تسری موج خیزش‌های مردمی در منطقه، آن‌هم به سرعت موجب تصمیم‌های متفاوت بازیگران در سیاست خارجی‌شان شده است. ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی ایران، امنیت ملی آن را به شدت تحت تأثیر محیط منطقه‌ای خاورمیانه قرار داده است. پس از انقلاب اسلامی ایران، شکل‌گیری ائتلافی از کشورهای عربی حاشیه‌نشین خلیج فارس به زعامت عربستان، به‌ناچار ایران را وادار به اتخاذ راهبرد بازدارندگی از طریق ایجاد ائتلاف منطقه‌ای در چهارچوب محور مقاومت نمود. یکی از مهم‌ترین کاربست‌های هر نظامی به‌کارگیری روش‌هایی مطلوب در جهت حفظ امنیتی منطقه‌ای برای آن می‌باشد و مبنای نظری بر این نظریه استوار است که همان‌طوری که راهبردهای داخلی مشخصی برای حفظ امنیت کشور در نظر گرفته شده است؛ راهبردهای برون‌مرزی نیز به‌کار گرفته شده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی مشخصاً به دنبال پاسخ به این پرسش است که جایگاه سوریه در راهبرد بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران علیه تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی چیست؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ایران دارای لایه‌های دفاعی در سوریه، عراق، لبنان و یمن می‌باشد که جانب‌گیری تهاجمی نداشته بلکه هدف پایه‌ای آن ایجاد نوعی سامانه بازدارنده و تدافعی جهت مقابله با منابع تهدیدآمیز در منطقه است.

کلیدواژه‌ها: راهبرد، امنیت منطقه‌ای، سوریه، جمهوری اسلامی ایران، بازدارندگی.



مقدمه و بیان مسئله

خاورمیانه به جایی گفته می‌شود که از بحران‌ها و سطوح منطقه‌ای تأثیر بسیاری می‌گیرد که در این حالت، کشورها در یک حوزه وابسته به یکدیگر قرار می‌گیرند و تهدیدهای جهانی علیه یک کشور متوجه دیگری نیز خواهد بود و ناامنی‌ها قابل تسری به یکدیگر می‌باشد. در خصوص سوریه و ایران باید اذعان داشت با آغاز حمله به سوریه در سال ۲۰۱۱، ایران در کنار سوریه وارد میدان شد و مستشاران نظامی خود را به این کشور فرستاد و آن‌ها نقشی مهم را در مبارزه با گروه‌های تروریستی که به نیابت از رژیم صهیونیستی، غرب و آمریکا از هرسو به خاک سوریه سرازیر شده بودند، ایفا کردند. روابط ایران و سوریه تأثیراتی محوری و بنیادین بر موقعیت سوریه در جنگ فلسطین با رژیم صهیونیستی و خنثی‌سازی توطئه‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه سوریه و حمله به این کشور داشته است.

متعاقباً باید اذعان داشت تهدیدات و بحران‌های پیش‌آمده در سوریه موجب بروز ناامنی‌های فراوانی در منطقه و حوزه بین‌المللی شده بود که در نتیجه این بحران‌ها قابل تسری به امنیت ملی در جمهوری اسلامی نیز بوده است و این امر منجر گشت که نظام جمهوری اسلامی واکنش مناسب نشان‌داده و سیاست‌هایی را در جهت بالابردن امنیت داخلی خود به کار گیرد که با توجه به وضعیت بحرانی منطقه، بهترین تصمیم و تدبیر هوشمندانه، دفاع از سوریه در جهت منافع ملی و حفظ امنیت ایران اسلامی بوده است. در حالی که کشورهای منطقه و دنیا از سوی گروه‌های وابسته به صهیونیسم از جمله داعش تهدید می‌شوند، امنیت مطلوبی در ایران وجود دارد. از ابتدای بحران سوریه، جمهوری اسلامی ایران با درک این شرایط به‌ویژه اهداف غیر سوری که دشمنان سوریه دنبال می‌کنند و هم‌چنین به دلیل هم‌پیمانی استراتژیک با این کشور، الگوی رفتاری مشخصی را با محوریت حمایت از حکومت اسد در دستور کار قرار داده است. با این وجود، جمهوری اسلامی ایران در این مسیر با طیفی از فشارها و چالش‌های سیاسی و تبلیغاتی مواجه بوده که موجب ایجاد ابهام و سؤال نسبت به جهت‌گیری‌های آن در خصوص پرونده سوریه شده است. در این راستا، محوری‌ترین پرسشی که مطرح شده این است که آیا جمهوری اسلامی ایران در پرونده سوریه بر اساس مصالح و منافع امنیت ملی خود حرکت می‌کند؟

در این راستا، اتهامات سنگین رسانه‌های خارجی علیه ایران با این بهانه که ایران از اقدامات سرکوبگرانه حکومت سوریه علیه قیام مردمی این کشور حمایت می‌کند

متوجه ج.ا. ایران است که این مسئله برخلاف مواضع اصولی ایران در قضیه بیداری اسلامی است.

۱. چهارچوب نظری

امروزه با شکل‌گیری جوامع مدرن تعاریف جدیدتری از امنیت ملی ارائه شده است؛ در این راستا، دولت‌ها به تبع نیازهای داخلی، شرایط ژئوپلیتیکی و تحت تأثیر ساختار و عملکرد نظام بین‌المللی، جهت‌گیری‌ها و استراتژی‌های خاصی را به‌منظور تأمین اهداف و منافع ملی خود برمی‌گزینند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها استراتژی اتحاد و ائتلاف است. شکل‌گیری ائتلاف‌های منطقه‌ای (دوجانبه یا چندجانبه) بدین معنی است که در یک نظام منطقه‌ای، چالش‌های امنیتی فرا روی دو یا گروهی از کشورها چنان به هم گره می‌خورد که امنیت ملی نمی‌تواند در یک نگاه واقع‌بینانه جدا از یکدیگر تعریف گردد.

جمهوری اسلامی ایران در سه دهه گذشته برای تحقق یک سیاست منطقه‌ای فعال و مؤثر، بازگشت قابل توجهی به مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی خود داشته است. مسئله محوری در این خصوص، تلاش ایران برای پیاده‌سازی الگوی امنیت منطقه‌ای بومی بوده که به‌طور طبیعی در تعارض با منافع منطقه‌ای برخی بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای مانند غرب و رژیم صهیونیستی قرار داشته است. در واقع، جمهوری اسلامی ایران برای تحقق اهداف سیاست خارجی خود به سمت ساختارهای منطقه‌ای حرکت نموده است که ضمن کسب قابلیت بهره‌گیری از فرصت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، امکان به حداقل رساندن تهدیدات امنیتی خود را پیدا نماید. ضمن این‌که کشورهای مورد نظر در همکاری‌های منطقه‌ای باید از بیشترین مطلوبیت استراتژیک برای ایران برخوردار باشند.

توسعه همکاری‌های راهبردی با کشور سوریه بدون تردید یکی از مهم‌ترین عوامل پیشبرد رویکردهای سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه بوده است و به نظر می‌رسد الگویی که تهران و دمشق در این خصوص دنبال نموده‌اند مبتنی بر واقعیت‌ها و نیازهای راهبردی دو کشور بوده است. سوریه براساس نیاز ژئوپلیتیکی و استراتژیکی، گزینه همراهی با جبهه مقاومت را انتخاب کرده است. به همین دلیل، ایران و سوریه به‌رغم داشتن سطح قابل توجهی از اختلافات فکری و اندیشه‌ای، از روابط بی‌نظیری در سطح جهان برخوردار بوده‌اند و این رابطه به اعتقاد برخی کارشناسان بی‌مانند بوده است.

در این راستا، ایران از همان ابتدای اعلام استقلال سوریه، این کشور را به رسمیت شناخت و سوریه نیز به برقراری و حفظ رابطه همکاری جویانه با ایران علاقه‌مند بود. با این وجود، پیروزی انقلاب اسلامی و مواضع ضد صهیونیستی ایران موجب شد تا سوریه به فکر بهره‌برداری از ظرفیت‌های انقلاب اسلامی برای ایجاد موازنه راهبردی در منطقه بیفتد. چراکه هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، «انور سادات» در مصر با یک چرخش استراتژیک در مقابل رژیم صهیونیستی اقدام به امضای قرارداد «کمپ دیوید» با این رژیم نمود. در این شرایط «حافظ اسد» در سوریه به شدت احساس تنهایی در جبهه پایداری کرد و به همین دلیل مواضع ضد صهیونیستی ایران را دلیلی برای جایگزین کردن ایران به جای مصر دانست. بنابراین این نکته حائز اهمیت است که سوریه در این شرایط با یک نگاه استراتژیک و نه صرفاً به دلیل نیاز تاکتیکی به سمت همکاری با ایران آمد.

در مقابل، یکی از مشکلات جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، چالش محیط عربی در پیرامون آن بود. این چالش به حدی بود که تداعی‌کننده رویارویی ایرانی-عربی بود و این فضا در جریان جنگ تحمیلی مورد استفاده حزب بعث عراق قرار گرفت. به همین دلیل، ایران در چنین شرایطی به شدت نیاز داشت تا این فضا را از طریق رابطه با سوریه مهار نماید. بدین ترتیب می‌توان گفت، وجود کشوری مانند سوریه با یک سیاست منطقه‌ای نسبتاً مستقل در کنار ایران، در کاهش چالش ایرانی-عربی مؤثر بود. از طرف دیگر، نوع نگاه ایدئولوژیک ایران به مسئله فلسطین به عنوان مسئله محوری امت اسلامی، ایجاب می‌کرد تا ایران برای کم کردن فاصله جغرافیایی خود با سرزمین‌های اشغالی به انتخاب یک هم‌پیمان مناسب دست بزند. به عبارت دیگر، سرزمین سوریه برای بعد عملی نگاه ایدئولوژیک ایران نسبت به مسئله فلسطین از طریق کم کردن فاصله جغرافیایی بود.

بنابراین آنچه در سوریه در جریان است به شکل مستقیم و غیرمستقیم بر روی منافع جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار است؛ چراکه جمهوری اسلامی ایران معتقد است آمریکا و رژیم صهیونیستی با هدف تضعیف مؤلفه‌های امنیت ملی ایران به دنبال حذف حاکمیت سوریه هستند و در این خصوص تجربیات دیگری از جمله به راه انداختن جنگ ۳۳ روزه باهدف نابودی حزب‌الله لبنان و جنگ ۲۲ روزه غزه باهدف از بین بردن توان مقاومت فلسطینی را داشته‌اند. بنابراین سیاست خارجی ایران به هیچ‌عنوان نمی‌تواند نسبت به تحولات سوریه که می‌تواند در سرنوشت معادلات

منطقه و به هم خوردن احتمالی موازنه امنیتی به ضرر ایران تعیین‌کننده است بی‌تفاوت باشد.

۲. ایران و سوریه در منطقه خاورمیانه

سوریه به دلیل موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی، یکی از مهم‌ترین کشورهای خاورمیانه محسوب می‌شود. بحران سوریه و چشم‌انداز آینده آن از جنبه‌های مختلف بر منافع و امنیت ملی ایران تأثیر می‌گذارد و از جنبه‌های مختلف، پیامدهای مثبت و منفی مهمی را برای ایران در برداشته بحران سوریه در سال ۲۰۰۱ آغاز گردید و حضور گسترده جریان‌های وابسته به القاعده، گروه‌های سلفی تحت حمایت عربستان و نگرانی از احتمال تسلط آن‌ها بر سوریه، باعث شد اکثر کشورهای غربی، در واکنش به اقدامات دفاعی و نظامی علیه سوریه و دولت بشار اسد و حمایت‌های وسیعی از گروه‌های مختلف در سوریه محتاطانه عمل نمایند (میرزاده کوهشاهی، ۱۳۹۳، صص. ۱۷۳-۱۸۱).

هویت مشترک شیعی ایران و عراق، خود مبین درک مشترک آن‌ها از امنیت منطقه‌ای است (داداندیش و کوزه‌گرکالچی، ۱۳۸۹، ص. ۷۸). عراق یکی از کشورهایی است که رژیم صهیونیستی از آن‌ها به‌عنوان «تهدید جبهه شرقی» نام می‌برد که از لحاظ جغرافیایی شامل سوریه، اردن، عراق و عربستان می‌شد (سهرابی و جنتی، ۱۳۹۴، ص. ۱۵۴). از همین‌رو رژیم صهیونیستی همواره خطر سلاح‌های موشکی، بیولوژیکی و شیمیایی عراق را بزرگ‌نمایی می‌کرد (سهرابی و جنتی، ۱۳۹۴، ص. ۱۵۵).

۲-۱. حمایت‌های ایران از حکومت سوریه

اگرچه مراودات و روابطی که فی‌مابین دولت ایران و سوریه وجود دارد در طول بازه‌های زمانی مختلف با بحران‌ها و چالش‌های زیادی همراه بوده است، اما در حال حاضر اشتراک زیادی در اهداف پیش‌روی دو کشور وجود دارد که منجر به اتحاد راهبردی منطقه‌ای و روابط دوستانه میان این دو دولت شده است (مسعودنیا، ۱۳۹۷، ص. ۲۳). نقش ارتباطی سوریه میان ایران و حزب‌الله، ایجاد موازنه قدرت در منطقه و جلوگیری از پیشبرد منافع آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه مهم‌ترین عواملی است که ایران را به حمایت از این کشور وامی‌دارد.

جمهوری اسلامی ایران در درگیری‌های سوریه به‌منزله بازیگری بود که نقشی حیاتی ایفا می‌کرد. ایران حتی پیش‌تر از روسیه، بزرگ‌ترین حامی رژیم سوریه محسوب می‌شود. روابط تهران با دمشق در طول تاریخ بر منافع استراتژیک مشترک،

از جمله خنثی کردن قدرت ایالات متحده و رژیم صهیونیستی در خاورمیانه استوار است. هر دو کشور همچنین برای ایجاد موازنه در برابر دولت‌های معاند عرب، به یکدیگر تکیه دارند. اتحاد ایران و سوریه تا حد زیادی فاقد بُعد ایدئولوژیک و مذهبی است. رژیم سکولار سوریه، توسط یکی از اعضای فرقه علوی، اداره می‌شود که ارتباط چندانی با اکثریت شیعه در ایران ندارد. با این حال جمهوری اسلامی ایران به عنوان تنها حکومت دینی در جهان، وابستگی مذهبی اندکی نسبت به رژیم اسد از خود نشان می‌دهد. در عوض، از نگاه تهران، سوریه مزایای استراتژیک زیر را برای ایران دارد؛ دروازه استراتژیک به سوی جهان عرب، سدی در برابر قدرت آمریکا و رژیم صهیونیستی و شاید مهم‌تر از همه یک پل ارتباطی مهم برای دسترسی به حزب‌الله لبنان است. سوریه همچنین به منزله سپری است برای جلوگیری از بی‌ثباتی داخلی در ایران.

متعاقباً در این رابطه دولت‌ها برای اعمال و اثبات قدرت تأثیرگذاری بین‌المللی، به استفاده، تهدید به استفاده، و نمایش قدرت نظامی خود، روی می‌آورند. در چنین دنیایی، تحصیل قدرت نظامی نه تنها یک ضرورت، بلکه تضمینی برای تمامیت ارضی و امنیت مرزی و تنها راه برای حفظ استقلال حاکمیتی و دفع تهدیدهای موجودیتی است. بنابراین افزایش قدرت نظامی، حتی بدون قصد تهاجم، اهمیتی غیرقابل انکار دارد (معینی، ۱۴۰۰، ص. ۶).

این مسئله با توجه به هجمه گسترده و پیوسته دشمنان علیه نظام جمهوری اسلامی ایران در چهل سال گذشته، اهمیت بحث را دوچندان می‌کند. ایران به دلیل ماهیت ضد رژیم صهیونیستی خود، در طول چهار دهه گذشته از سوی غرب با تحریم‌های تسلیحاتی حتی در زمینه دفاعی روبرو بوده است. لذا تأکید بر توانمندی بومی برای ارتقای سطح بازدارندگی در اولویت نهادهای نظامی کشور قرار داشته است. تجربه اخیر نشان داد که حتی قراردادهای بین‌المللی در حوزه خرید سامانه‌های دفاعی اس ۳۰۰ تا چه اندازه تحت تأثیر تحولات سیاسی است. ضمن آنکه بررسی معاملات نظامی کشورهای همجوار ایران، گویای لزوم تقویت توان دفاعی و امنیتی ما است. عربستان دومین واردکننده بزرگ تجهیزات نظامی به‌شمار می‌رود و همچون رژیم صهیونیستی همواره امکان دسترسی به پیشرفته‌ترین تسلیحات غربی را دارد. در این میان هرگونه قصور در زمینه عدم توجه به رشد توان بازدارندگی می‌تواند امکان تحقق سناریوی حمله نظامی به ایران را فراهم‌سازد. در واقع ظرفیت‌های بالای موشکی ایران، از یک سو به معنای بی‌پاسخ نماندن هرگونه تعرض به کشورمان، و از

سوی دیگر به معنای معتبر بودن هرگونه تهدیدی است که مقامات ایرانی می‌کنند. قدرت نظامی ایران به این معناست که اکنون هیچ کشوری حتی آمریکا به خود اجازه نخواهد داد تا به فکر استفاده از نیروی نظامی علیه ایران بیفتند، چراکه دشمنان ایران می‌دانند خودشان یا منافعشان یا هر دو در تیررس موشک‌های ایران هستند. علاوه بر این، توانمندی موشکی ایران نشان‌داد که می‌توان در شرایطی مانند بحران سوریه و با موافقت دولت‌های در مسیر عبور این موشک‌ها، با عوامل آشوب‌زا (گروهک‌های تروریستی) مقابله کرده و بر معادلات منطقه اثرگذار بود (معینی، ۱۴۰۰، ص. ۹).

بنابراین بیان برجام موشکی در شرایطی که برجام هسته‌ای هم به نتیجه ملموسی نرسید، بیانگر تلاش دشمنان ایران و محور مقاومت برای تضعیف این توانمندی دفاعی است. در این شرایط، هرگونه مذاکره و تبلیغ گفت‌وگو در شعارهای انتخاباتی داخلی در مسئله موشک و قدرت دفاعی کشور با غرب، معامله بر سر امنیت ایران است. واقعیت امر این است که اگر داعش در سمت غرب و طالبان و دیگر گروهک‌های تروریستی مانند جندالله در شرق، توان مقابله با تجهیزات نظامی کشور را داشتند با تمام توان به مرزها حمله می‌کردند؛ ضمن آنکه در صورت بروز چنین اتفاقی به‌طور کامل از حمایت عربستان، آمریکا، رژیم صهیونیستی و برخی دیگر از کشورها برخوردار خواهند بود. یکی از مهم‌ترین تهدیداتی که در بحران‌های سوریه و عراق، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و امنیت منطقه را تهدید می‌کند، گسترش روزافزون جریان‌های تکفیری است (اسدی، ۱۳۹۱، ص. ۱۷۰).

۲-۲. علل حمایت ایران از سوریه

روابط نزدیک بین ایران و سوریه، بر پایه موقعیت ژئوپلیتیکی است نه مذهبی. ایران مدت‌هاست که به سوریه به‌عنوان وزنه تعادلی در مقابل آمریکا، رژیم صهیونیستی و رقبای عرب خود نگاه می‌کند. جنگ بین ایران و عراق همکاری‌های بین ایران و سوریه را محکم‌تر کرد. جمهوری اسلامی ایران، به دلیل تلاش‌هایش در جهت صدور انقلاب به‌دنیای عرب و به‌طور خاص قدرت‌های بزرگ در جهان عرب، مانند عربستان سعودی، مصر و جنگ با صدام حسین که در طی جنگ مورد حمایت جهان عرب بود، در منطقه دچار مشکلات فراوان شد. سوریه در زمان حاکمیت پدر بشاراسد، یعنی حافظ‌اسد، تنها کشور خاورمیانه بود که به‌طور فعالانه در طول جنگ از ایران حمایت می‌کرد. حافظ‌اسد، رژیم بعثی عراق را به‌عنوان تهدیدی علیه منافع خود

می‌دانست. جنگ بین ایران و رژیم بعث عراق، توان عراق را کاهش داد و این کشور را تضعیف نموده و در نتیجه سوریه را از حیطة توجه عراق خارج کرد.

جمهوری اسلامی ایران اندکی پس‌از آن، به‌عنوان یک قدرت بانفوذ در لبنان، یعنی حیات‌خلوت سوریه، ظاهر شد. نادیده گرفته‌شدن حقوق شهروندی شیعیان لبنان، به همراه شور و شوق انقلابی در ایران، به تهران این اجازه را داد تا از طریق کمک به حزب‌الله، نفوذ خود را در لبنان افزایش دهد. حفاظت بر خلاف پسرش، نسبت به دخالت و درگیری کامل ایران در لبنان تردید داشت اما او به ایران و حزب‌الله لبنان به‌عنوان وزنه تعادلی در مقابل دشمن اصلی خود یعنی رژیم صهیونیستی نگاه می‌کرد. سوریه، ایران را در جریان جنگ با عراق حمایت کرد و برای بهره‌گیری بهتر از اتفاق میان ایران و حزب‌الله لبنان، سوریه تلاش کرد اتحاد نزدیکی با ایران برقرار کند. هرچند که اختلافات مذهبی میان این دو کشور بسیار بود. بشاراسد اتحاد بین ایران و سوریه را در دوران حاکمیت پرآشوب خود حتی تا جاییکه پدرش با آن مخالف بود، تقویت کرد. دلیل عمده این کار نقاط ضعف و بحرانی رژیم وی بود، از جمله به خطرات دادن علویانی که حدود ۱۲ درصد از جمعیت سوریه را تشکیل می‌دادند و اداره حکومت بر اکثریت سنی را برعهده داشتند که همواره مستعد ایجاد ناآرامی و اختلاف بودند. سرکوب مخالفان، مشروعیت رژیم اسد را به خطر انداخت و حتی آن را بیشتر به ایران، به‌عنوان دولت حامی رژیم اسد، وابسته ساخت.

علاوه بر این، ایران و حزب‌الله از منافع سوریه در مقابل تهدیدات خارجی دفاع می‌کنند. حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ برای رژیم سوریه به‌منابۀ یک تهدید بود. این رژیم تصور می‌کرد که هدف احتمالی بعدی آمریکا، تغییر رژیم در این کشور است (ابراهیمی، ۱۳۸۶، ص. ۴۳).

دمشق، جنگ حزب‌الله لبنان و رژیم صهیونیستی را در سال ۲۰۰۶ یک پیروزی برای خود نیز تلقی می‌کرد. برای اولین بار از سال ۱۹۷۳ یک نیروی مسلح عرب توانست در برابر حملات رژیم صهیونیستی مقاومت کرده و به‌رغم متحمل شدن تلفات سنگین، آن‌ها را عقب براند. حزب‌الله کاملاً به سلاح‌های ایران و تاکتیک‌های نظامی ایران، که ارزش ایران را در دید رهبر سوریه افزایش می‌داد، متکی بود.

به نظر می‌رسد رابطه امنیتی و نظامی سوریه با ایران پس‌از این جنگ افزایش پیدا کرد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، به‌عنوان قدرتمندترین و مهم‌ترین حامی حزب‌الله، حمایت خود را از طریق آموزش نیروهای کلیدی امنیتی و نظامی و

کمک به افزایش ظرفیت‌های نظامی این کشور افزایش داد. جمهوری اسلامی ایران که به دلیل پیگیری برنامه هسته‌ای از نظر منطقه‌ای و بین‌المللی تحت فشار است، نمی‌تواند منتظر باشد که متحد خود را از دست بدهد. سقوط رژیم اسد نه تنها بر توانایی تهران در اعمال نفوذ بر دنیای عرب تأثیر می‌گذارد بلکه موجب کاهش توانایی آن برای حفظ نظامی حزب‌الله می‌شود.

بسیاری از سلاح‌هایی که از تهران به سوی حزب‌الله روانه می‌شوند از خاک سوریه می‌گذرند. یک‌راه ممکن دیگر ترکیه است. آنکارا که با تهران بر سر اعمال نفوذ در خاورمیانه رقابت دارد، از عبور هواپیماها و کشتی‌ها برای تجهیز سوریه و حزب‌الله از درون خاک خود جلوگیری می‌کند. از همین‌رو از بین رفتن مسیر سوریه به لبنان می‌تواند مانع از تجهیز دوباره حزب‌الله توسط ایران در جنگ‌های آتی با رژیم صهیونیستی شود. چنین سناریویی می‌تواند رژیم صهیونیستی را بیش از قبل بر آن دارد که نه تنها به حزب‌الله بلکه به تجهیزات هسته‌ای ایران حمله کند. وجود هزاران موشک حزب‌الله که بعضی از آنها می‌تواند تل‌آویو و دیگر شهرهای مهم رژیم صهیونیستی را هدف بگیرد، به‌منزله بهانه‌ای برای انجام اقدام بازدارنده توسط رژیم صهیونیستی است.

رهبر ایران درگیری‌های داخلی سوریه را موضوعی سیاه‌وسفید می‌بیند. آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر ایران، معتقد است: «رژیم سوریه بخش مهمی از محور مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی و خط مقدم مبارزه ایران با آمریکا است.» برخی از مقامات رسمی ایران به موضوع حمایت بی‌حد و حصر تهران از رژیم اسد به دیده تردید نگریسته‌اند اما به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران سیاست حمایت همه‌جانبه را اتخاذ کرده است. همچنین به وجود آوردن نیروهای شبه‌نظامی سوری، براساس الگوی بسیج در ایران، می‌تواند به ایران کمک کند تا نفوذش را در سوریه بعد از اسد، که توسط اکثریت سنی اداره خواهد شد حفظ کند و مهم‌تر اینکه مسیر ارتباطی خود را برای تجهیز نظامی حزب‌الله، تثبیت نماید.

چشم‌اندازها و سیاست‌های ایران، عدم تمایل ایران را برای مذاکره با آمریکا در مورد مسئله سوریه آشکار می‌کنند. به‌ویژه زمانی که آمریکا و متحدانش قصد دارند تا رژیم علوی مسلط بر این کشور را سرنگون کنند. اما تهران ممکن است، در صورتی که تضمین شود سطح قابل توجهی از نفوذش بر سوریه باقی خواهد ماند، ممکن است نسبت به مذاکره تمایل نشان دهد. اما باید توجه داشت که چنین معامله نابرابری ممکن است نفرت کسانی را که در آینده ممکن است بر این کشور حاکم شوند،

برانگیزد. هم‌زمان افزایش نفوذ ایران در سوریه پس از جنگ، درنهایت می‌تواند موقعیت آمریکا را نه‌تنها در سوریه بلکه در اکثریت جهان عرب ضعیف‌تر کند (عیوضی و قاسمی، ۱۴۰۱، ص. ۲۱۱).

۳. تأثیر بحران سوریه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

اتفاقات و تحولاتی که دولت سوریه پشت سر گذاشته است در زمره مهم‌ترین اتفاقاتی محسوب می‌شود که امنیت ملی کشورهای همسایه علی‌الخصوص ایران را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد به‌نحوی که هرگونه تغییرات ساختاری و بنیادین در کشور سوریه امنیت ایران را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و این مسئله موجب شده است تا هرگونه آسیب و یا چالشی در کشور سوریه، ایران را نیز تحت تأثیر قرارداده و قدرت و نفوذ ایران را در منطقه خدشه‌دار نماید.

۳-۱. بحران سوریه و نقش ایران

سال ۱۳۹۰ و در ابتدای بحران سوریه با گسترش این بحران و اشغال شدن بخش بسیار بزرگی از سرزمین سوریه، شاهد آن بودیم که تمامی تحلیلگران خارجی از قطعی بودن سقوط آقای بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه سخن می‌گفتند. اما تنها کشوری که از ابتدا اعتقاد داشت چنین اتفاقی رخ نخواهد داد، ایران بود. گفته می‌شود ایران در اوایل اعتراضات مردم سوریه، براساس تجربیاتی که پس از اعتراضات انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ به دست آورده بود، به دولت سوریه پشتیبانی فنی ارائه می‌داد. اگر بخواهیم مشخصاً به نقش دولت ایران در بحران سوریه اشاره کنیم باید اذعان داریم که دولت ایران برای نیل به هدف اصلی خود که رسیدن به امنیت ملی بود می‌بایست سیاست‌های تدبیرگرایانه و سیاست موازنه تهدید را به کار می‌گرفت که لازمه آن رویارویی با چندین دولت منطقه‌ای می‌بود. درحالی که ترکیه و رژیم صهیونیستی به‌عنوان رقبای منطقه‌ای و آمریکا نیز به‌عنوان رقیب جهانی در این راستا محسوب می‌شد. هرچه تهدیدات بین‌المللی علیه سوریه زیادتر باشد سقوط دولت بشار اسد نیز نزدیک‌تر خواهد شد که این امر منافع ملی ایران را به خطر می‌اندازد. لذا هرچه ناپایداری‌ها در این منطقه (سوریه) تداوم یابد تهدیدات علیه منابع ملی ایران نیز بیشتر خواهد شد (سیمبر و قاسمیان، ۱۳۹۳، ص. ۱۵۱).

۲-۳. تضعیف متحد استراتژیک ایران

یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین تغییر و تحولاتی که در دولت سوریه منجر به بروز تهدیدات علیه دولت ایران شده است مسائلی است که در محیط امنیتی در ایران رخ داده است که از آن‌ها می‌توان به اندک‌بودن متحدان استراتژیک ایران در این محیط امنیتی اشاره نمود. سوریه به‌عنوان تنها متحد استراتژیک ایران می‌تواند نقش مهمی برای سیاست‌های امنیتی ایران بازی کند. دولت سوریه به‌طور مستقیم می‌تواند منجر به نقطه عطفی برای تأثیرپذیری سیاسی و امنیت ملی ایران باشد. که در این خصوص بعضاً این‌طور تحلیل نموده‌اند که چنانچه دولت بشار سقوط کند روابط استراتژیک ایران و سوریه دیگر قادر به ادامه‌دادن نخواهد بود و با روی کار آمدن دولت جدید حمایت‌ها از ایران قطع خواهد شد، در نتیجه به تهدیدی علیه ایران خواهد انجامید. به همین دلیل است که سیاستمداران آمریکایی به دنبال تغییر رژیم در سوریه می‌باشند که این مسئله طبیعتاً به ضرر دولت ایران خواهد شد و از همین حیث، علل اصلی حمایت‌های ایران از سوریه آشکار می‌گردد. در این شرایط دیگر رقبای ایران نیز چنین هدفی را دنبال می‌کردند که در این راستا نزاعی نیابتی مابین بازیگران منطقه‌ای ایجاد شد و دولت‌هایی نظیر عربستان و ترکیه تلاش بر این داشتند تا نفوذ ایران و کمک‌های مالی و نظامی ایران به سوریه را قطع نمایند (نیاکونی، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۱).

۳-۳. مؤلفه‌ها و ویژگی‌های تحولات سوریه و الگوهای راهبردی ج.ا. ایران

ضمن این‌که باید توجه داشت برخی مؤلفه‌ها و ویژگی‌های تحولات سوریه را می‌توان دلایل محکمی تلقی کرد برای این‌که اوج‌گیری بحران سوریه با تحریک عامل خارجی و بر مبنای انتخاب هوشمندانه جهت به‌زانو درآوردن بشار اسد در تعدیل مواضع منطقه‌ای‌اش صورت گرفته است؛ چراکه هرگونه تغییر در مواضع منطقه‌ای سوریه می‌تواند تأثیرات جدی بر روندهای کنونی منطقه و تضعیف کمربند مقاومت داشته باشد. در واقع، سوریه پل ارتباطی ایران با جبهه مقاومت است و تضعیف سوریه می‌تواند موجب کاهش قدرت مانور جبهه مقاومت و ایران شود. حتی برخی مقامات غربی و صهیونیستی این‌گونه اظهار نظر کرده‌اند که آنچه در سوریه اتفاق افتاده است، نتیجه آن را باید در داخل ایران دید. با عنایت به گزاره‌های راهبردی مذکور، الگوی بازیگری جمهوری اسلامی ایران طی ۲ سال اخیر در پرونده سوریه ناشی از برخی

الزامات و ضرورت‌های زیر بوده است که در راستای منافع امنیت ملی و توسعه قدرت نفوذ آن محسوب می‌شود:

- ❖ جمهوری اسلامی ایران حمایت از سوریه را هیچ‌گاه متکی بر نگاه مذهبی و طایفه‌ای دنبال نکرده است؛ حتی برعکس، جمهوری اسلامی ایران براساس مهم‌ترین مسئله جهان اسلام یعنی موضوع فلسطین به رابطه با سوریه اهمیت داده است. بنابراین حمایت ایران از سوریه به‌مثابه تلاش برای تثبیت گفتمان انقلاب اسلامی ایران در قضیه فلسطین است.
- ❖ حکومت سوریه به دلیل اتکا بر مؤلفه‌های داخلی توانسته است در مقابل دشمنان خارجی ادامه حیات دهد؛ به‌عبارت‌دیگر، مشروعیت سیاسی و اجتماعی حکومت اسد مانع از سقوط وی شده است نه حمایت عامل خارجی.
- ❖ از آنجاکه جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های گذشته در هم‌پیمانی با سوریه توانسته بود جبهه نیرومندی برای توسعه اهداف و سیاست‌های منطقه‌ای خود ایجاد نماید، سقوط حکومت کنونی سوریه موجب ازبین‌رفتن بخش عمده‌ای از دستاوردهای سیاست خارجی ایران می‌گردد. به‌عبارت‌دیگر، بی‌تفاوتی در پرونده سوریه به‌منزله خطای استراتژیک است که بسیاری از دستاوردهای منطقه‌ای ایران را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد.
- ❖ عمده‌ترین هدف بازیگران مداخله‌گر غربی در هم‌پیمانی با کشورهای عربی منطقه و رژیم صهیونیستی در دامن‌زدن به مسئله سوریه، تلاش برای مهندسی سیاسی جدید در منطقه یا به عبارت بهتر پیاده‌سازی الگوهای مطلوب امنیتی برای حفظ منافع راهبردی است. بنابراین جمهوری اسلامی ایران در پرونده سوریه باید از تحقق چنین هدفی جلوگیری نماید.
- ❖ تثبیت حکومت سوریه به‌طور مؤثری در افزایش و تقویت جایگاه منطقه‌ای ایران مفید خواهد بود؛ به‌عبارت‌دیگر، این امر موجب افزایش میزان اعتماد عمومی کشورها و ملت‌های منطقه نسبت به سیاست‌های منطقه‌ای ایران و حقانیت آن خواهد شد.
- ❖ پرونده سوریه به‌منزله تجربه سنگینی برای جبهه مقاومت با محوریت ایران محسوب می‌شود که هرگونه پیروزی یا شکست در آن تعیین‌کننده چشم‌انداز بلندمدت حیات سیاسی سایر بازیگران جبهه مقاومت است.

❖ حمایت ایران از طرفداران سقوط حکومت به معنی حمایت از یک جریان شبه‌نظامی است که فاقد پایگاه اجتماعی هستند و این امر هیچ‌گاه نمی‌تواند به‌عنوان اولویت سیاست خارجی ایران باشد (امیدی و آقا محمدی، ۱۳۹۶، ص ۹۴).

۴. تأثیر روابط ایران و سوریه در موقعیت سوریه در جنگ عرب و

فلسطین با رژیم صهیونیستی

روابط ایران و سوریه تأثیراتی محوری و بنیادین بر موقعیت سوریه در جنگ عرب و فلسطین با رژیم صهیونیستی و خنثی‌سازی توطئه‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه سوریه و حمله به این کشور داشته است. در واقع معادله همگرایی سوریه و ایران، یعنی افزایش تهدید علیه رژیم صهیونیستی. در اینجا به مهم‌ترین این تأثیرات اشاره می‌کنیم:

- ❖ خنثی‌سازی یکی از مهم‌ترین اهداف توطئه‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه سوریه یعنی خارج کردن این کشور از معادله بازدارندگی در محور مقاومت علیه رژیم صهیونیستی؛
- ❖ محدود کردن دامنه تحرکات هوایی جنگنده‌های رژیم صهیونیستی در حریم هوایی سوریه و تحلیل هرچه بیشتر بازدارندگی رژیم صهیونیستی و در مقابل، تقویت بازدارندگی سوریه؛
- ❖ آشفتگی بی‌سابقه در مراکز و کانون‌های سیاست‌گذاری رژیم صهیونیستی با افزایش فرایند ترمیم بازدارندگی سوریه و تقویت وحدت محور مقاومت و اعلام آمادگی برای جنگ با دشمن به‌طوری‌که کل محاسبات سیاسی و امنیتی این رژیم را به هم‌ریخته و درنهایت به تحلیل توان بازدارندگی این رژیم به میزان قابل توجه انجامید؛
- ❖ تقویت معادله امنیت مشترک محور مقاومت و خنثی‌سازی تلاش دشمن برای جدا کردن سوریه از محور مقاومت با توجه به نقش محوری و بنیادین این کشور در محور مقاومت برای ایجاد توازن در جنگ با دشمن و از بین بردن احتمال جنگ فراگیر؛
- ❖ خنثی‌سازی تلاش رژیم صهیونیستی برای بهره‌برداری از بحران‌های جنوب سوریه همچنین ناامید کردن و مهار مطامع این رژیم در جنوب سوریه؛

- ❖ تأمین ثبات داخلی سوریه و تهدید رژیم اشغالگر از طریق تلاش برای یکپارچه‌سازی جبهه داخلی در مقابل این رژیم؛
- ❖ افزایش تهدیدها علیه "امنیت داخلی رژیم صهیونیستی" به‌خصوص در جنوب سوریه و احتمال تغییر نقشه جولان اشغالی به زبان این رژیم.
- ❖ خنثی‌سازی تلاش‌های رژیم اشغالگر برای بازگشت حزب‌الله به سوریه به‌طوری‌که مشکل ظهور دوباره حزب‌الله در این منطقه تا مدت‌ها دغدغه این رژیم خواهد بود.
- ❖ بازسازی سامانه‌های دفاعی و قدرت هوایی و موشکی سوریه و ایجاد معادله بازدارندگی جدید و تغییر معادلات جنگ به نفع سوریه و درنهایت درگیرکردن رژیم اشغالگر در جنگی که طی ده سال گذشته از آن فرار می‌کرد.
- ❖ یکی از نتایج غیرمستقیم روابط ایران و سوریه، خنثی‌سازی همکاری بین رژیم صهیونیستی و روسیه در سایه روابط ایران با روسیه در سوریه است.
- ❖ شکست تبلیغات گسترده رژیم صهیونیستی برای آنچه این رژیم، جلوگیری از استقرار و نفوذ ایران در سوریه می‌نامید
- ❖ ازسرگیری روابط سوریه با گروه‌های فلسطینی و تأثیرات آن بر خنثی‌سازی روند سازش رژیم صهیونیستی - عربی از یک‌سو و افزایش دغدغه‌ها و نگرانی‌های امنیتی این رژیم از سوی دیگر.

نتیجه‌گیری

خاورمیانه را می‌توان یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای محسوب کرد که الگوی رفتاری خاصی را بر کشورهای واقع در این محدوده جغرافیایی تحمیل می‌کند. مهم‌ترین ویژگی جغرافیایی این منطقه، نفوذپذیری بالای آن همراه با شکنندگی سیاسی و اجتماعی بسیاری از کشورهای واقع در این منطقه است. درهمین‌راستا، براساس شاخصه‌های دوازده‌گانه ارائه‌شده از سوی بنیاد صلح، سوریه همواره یک دولت شکننده محسوب می‌گردید؛ اما با آغاز ناآرامی‌ها و متعاقباً شروع جنگ‌های داخلی از سوی مخالفان سوری و گروه‌های تروریستی علیه دولت بشار اسد، به‌تدریج بر میزان شکنندگی این کشور افزوده شد و درنتیجه از یک دولت شکننده به یک دولت فروپاشیده تبدیل گشت؛ که تحت چنین شرایطی حفظ قلمرو سرزمینی و حاکمیت از کنترل دولت تا حدود قابل ملاحظه‌ای خارج گردید. با توجه به پیوستگی امنیتی

در ژئوپلیتیک خاورمیانه، ضعف حاکمیت دولت بشار اسد و همچنین اهمیت سرنوشت سوریه بر آینده موازنه قدرت منطقه‌ای، موجب گردید تا کشورهای منطقه با حمایت شرکای فرامنطقه‌ای خود با مداخله در سوریه وارد عرصه وزن‌کشی استراتژیک در قبال یکدیگر شوند. براین‌د چنین کشمکش‌ی تبدیل مفهوم امنیت به دال مرکزی گفتمان خاورمیانه بود.

بحران سوریه شرایطی را فراهم ساخت تا ترکیه از یک‌سو اختلافات خود را با رژیم غاصب صهیونیستی مرتفع سازد و سیاست‌های هم‌سو و هماهنگی را جهت سرنگونی بشار اسد اتخاذ نمایند. مسئله سوریه همچنین موجب همگرایی و ائتلاف نظامی - امنیتی اعراب و ترکیه در قبال سوریه گردید و این کشورها با هماهنگی یکدیگر از طریق ارسال کمک‌های گوناگون مالی، اطلاعاتی و تسلیحاتی تلاش کردند تا دولت بشار اسد را سرنگون کنند. راهبرد مشترک منطقه‌ای آن‌ها زمینه‌ای فراهم کرد که حتی شاهد افزایش مناسبات نظامی و امنیتی دوجانبه برخی از کشورهای عرب منطقه خلیج فارس مانند عربستان و قطر با ترکیه می‌باشیم؛ اما آنچه در این بین بسیار حائز اهمیت است خروج رژیم صهیونیستی از انزوای استراتژیک در پی تحولات اخیر خاورمیانه به‌ویژه ناآرامی‌های داخلی سوریه می‌باشد؛ به‌عبارت‌دیگر، سیاست‌های خصمانه ترکیه و کشورهای عربی به‌ویژه عربستان و قطر به‌دلیل سازگاری با سیاست‌های ضد سوری رژیم صهیونیستی سبب گردید تا یک همگرایی بین آن‌ها حول یک دشمن مشترک، یعنی دولت بشار اسد، شکل بگیرد. در حقیقت، این موضوع مناسبات امنیتی گذشته اعراب و رژیم صهیونیستی را تغییر داد و متعاقباً شرایطی به وجود آورد که آن‌ها رویکرد مشترکی در قبال سوریه و متحد استراتژیک آن یعنی ایران اتخاذ نمایند. به عبارتی، کشورهای عربی که پیش‌تر در قبال رژیم صهیونیستی رویکرد انتقادی و حتی تقابل داشتند، اکنون به این کشور از منظر یک دوست و متحد منطقه‌ای می‌نگرند؛ به‌گونه‌ای که تلاش کرده‌اند تا اختلافات گذشته را حداقل در شرایط کنونی به فراموشی سپرده و حتی به سمت بهبود مناسبات دوجانبه حرکت نمایند. این موضوع یعنی سیاست نزدیکی به رژیم صهیونیستی و تلاش برای سرنگونی دولت اسد به‌ویژه از سوی عربستان، نه‌تنها تنش دیپلماتیک بین تهران و ریاض را افزایش داد و متعاقباً جنگ نیابتی بین آن‌ها را در منطقه تشدید نمود، بلکه مناسبات سیاسی امنیتی بین تهران و آنکارا را نیز تحت تأثیر قرارداد. حاصل این تنش‌ها افزایش چگالی نظم آنارشیک بود که خود موجب بازتولید رقابت‌ها، خصومت‌ها و خشونت‌های منطقه‌ای گردید.

سوریه برای ایران به منزله یک مهره مهم امنیتی در منطقه به حساب می‌آید و این مسئله برای دولت ایران از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد که هر دوی این کشورها (ایران و سوریه) سیاست خارجی درخوری در مقابله با رژیم صهیونیستی در پیش گرفته‌اند. دغدغه‌های امنیتی بین دو کشور اساساً دارای ماهیت غیر نظامی بوده و براساس سیاست خارجی دو کشور بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران ساختار بندی شده است. در این راستا چهار عامل کلیدی زمینه امنیتی شدن رابطه بین دو کشور را فراهم کرده است:

- عملکرد سوریه به عنوان سد نفوذ سیاست‌های آمریکا علیه ایران در خاورمیانه؛
- هم‌مرز بودن این کشور با حزب‌الله و رژیم صهیونیستی؛
- قرارداد شدن به عنوان تلافی گاه نزدیکی ناسیونالیسم عربی و ایرانی - اسلامی؛
- کاربست استراتژی دفاع - تهاجم ایدئولوژیک ایران در سوریه، که عامل اخیر در بحران سوریه برای حفظ امنیت جمهوری اسلامی ایران و جلوگیری از دستبرد منطقه توسط غرب نقش کلیدی دارد.

جمهوری اسلامی در خلل واکنش‌ها به بحران‌های داخلی علیه سوریه همواره از خواسته‌های مردم این کشور حمایت نموده است و علاوه بر انجام اصلاحات و حمایت از حاکمیت ملی آن به‌طور همه‌جانبه از مردم این کشور حمایت نموده است. و علاوه بر آن از لحاظ نظامی و تقویت اساس ارتش این کشور نیز ملاحظاتی را در پی گرفته است. چراکه حفظ قدرت این کشور برای ایران حائز اهمیت می‌باشد. دلیل این امر نیز آن است که چنانچه دولت بشار اسد از بین رود هیچ‌گونه تضمینی برای حفظ روابط ایران و سوریه در دولت بعدی وجود ندارد. پس جمهوری اسلامی ایران در تلاش است تا در این مرحله دست کم حکومت دمشق را از بحران خارج نماید. و برای جمهوری اسلامی مسلم و مسجل است که بشار اسد نیز همکاری‌های لازم را در این زمینه مبذول داشته است. از سوی دیگر ایران با تداوم حمایت خود، چندین هدف حیاتی دیگر نظیر جلوگیری از وقوع حوادث مشابه در خاورمیانه باهدف جلوگیری از توسعه نفوذ رژیم صهیونیستی در منطقه، حفظ ائتلاف شیعی و حفظ تعادل ژئوپلیتیکی منطقه را نیز دنبال می‌کند.

با توجه به موارد بیان شده درمی‌یابیم که تحولات داخلی سوریه و بحران‌های موجود در آن امنیت ملی ایران را مورد تهدید قرار می‌دهد و تأثیرات منفی بسیاری بر دولت ایران خواهد گذاشت.

فهرست منابع

- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۶). *تأملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ*، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۸۲.
- آجرلو، حسین (۱۳۹۰). *تحولات سوریه به ریشه‌ها و چشم‌اندازها*، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هجدهم، پاییز، شماره سوم.
- اخوان کاظمی، مسعود؛ شاه قلعه، صفی‌الله (۱۳۹۳). بازتعریفی از ژئوپلیتیک شیعه با نگاهی به انقلاب بحرین. فصلنامه شیعه‌شناسی، سال دوازدهم، شماره ۴۵.
- آقای، احمد و احمدیان، حسن (۱۳۸۴). *روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی: چالش‌های بنیادین و امکانات پیش رو*. فصلنامه سیاست، دوره چهارم، شماره ۳.
- امامی، محمدعلی (۱۳۶۹). *سوریه و عراق: دیروز و امروز*. اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۳۹.
- امیدی، علی؛ آقا محمدی، زهرا (۱۳۹۶). *بحران سوریه براساس نظریه مکعب بحران*، فصلنامه روابط خارجی، سال نهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶.
- امیرشاه‌کرمی، مریم‌السادات (۱۳۸۸). *ریخت‌شناسی مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای در محیط پیرامونی ایران*، باشگاه اندیشه، قابل دسترس در: <http://www.bashgah.net/fa/content/show/39075>
- ایوب، محمد (۱۳۹۶). *خاورمیانه از فروپاشی تا نظم یابی*، ترجمه مهدی زیبایی و سجاد بهرامی مقدم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۸). *سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهاجمی و تدافعی*، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول. شماره اول.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). *مردم، دولت، هراس*. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری (۱۳۸۱). *خاورمیانه: ساختاری همواره کشمکش‌زا*، فصلنامه سیاست خارجی، سال شانزدهم، شماره ۳.
- بوزان، باری؛ ویوو، آل (۱۳۸۸). *مناطق و قدرت‌ها*، ترجمه رحمان قهرمان پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پورحسن، ناصر (۱۳۹۱). *آثار بحران سوریه بر مسئله فلسطین*، مطالعات فلسطین، شماره ۱۸، پاییز.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۹۰). *چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۴). *کارویژه تحولات سوریه در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سه، شماره ۴.
- خانبلوکی، فرید، (۱۳۹۱). *اهداف آمریکا در بحران سوریه*، پیام انقلاب، شماره ۶۸.
- داد اندیش، پروین و کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۸۹). *بررسی انتقادی نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای با استفاده از محیط امنیتی منطقه قفقاز*، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۹، شماره ۵۶.
- ذوقی بارانی، کاظم؛ قادری کنگاوری، روح‌الله؛ فراتی، محمدرضا (۱۳۹۰). *تحلیل ژئوپلیتیک سوریه، بستری برای تدوین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه*. سیاست دفاعی، شماره ۷۷.
- ربیعی، حسین؛ نقدی، جعفر؛ نجفی، سجاد (۱۳۹۵). *بحران سوریه و امنیت ملی ایران*، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۳۰، بهار، صص ۸۸-۶۱.
- الزعبی، خیام (۱۳۸۴). *تجزیه و تحلیل روابط سیاسی سوریه و ایران ۲۰۰۴-۱۹۷۹*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان.
- سردارنیا، خلیل‌الله؛ کیانی، فائزه (۱۳۹۵). *تحلیل بحران سوریه از منظر شکاف‌های اجتماعی*، دوفصلنامه علمی پژوهشی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۴، شماره ۱، بهار و تابستان.
- سلطانی‌نژاد، احمد؛ ابراهیمی، نبی‌الله؛ نجفی، مصطفی (۱۳۹۵). *منافع و ملاحظات قدرت‌های منطقه‌ای در بحران سوریه*، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره (۱۷)، صص ۱۰۱-۱۲۹.
- صادقی، سید شمس‌الدین؛ مرادی، سمیرا (۱۳۹۶). *تحلیل ائتلاف ایران و روسیه در پرتو بحران سوریه*، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۰، شماره ۱، بهار و تابستان، صص ۱۰۳ - ۱۷۰.
- صالحی، جواد؛ ساسانیان، سعید (۱۳۹۲). *بررسی تغییرات سامانه نظم متأثر از تحولات خاورمیانه با تمرکز بر ژئوپلیتیک شیعه در سال ۲۰۱۱*. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره دوم.
- عیوضی، محمدرحیم؛ قاسمی، محمدهادی (۱۴۰۰). *چرایی پیدایش محور مقاومت و تحلیل ساختاری مسائل مرتبط از منظر آینده‌نگاری راهبردی*، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲، شهریور ۱۴۰۲، صص ۹۴-۲۲۰.
- فرزندی، عباسعلی (۱۳۹۱). *اهمیت راهبردی سوریه برای ایران*، پیام انقلاب، شماره ۶۲.
- کتاب سبز سوریه (۱۳۸۷). انتشارات وزارت امور خارجه.

- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۴). *محیط امنیتی خاورمیانه و سیاست دفاعی ایران*، فصلنامه سیاست دفاعی، سال سیزدهم و چهاردهم، شماره ۵۲ و ۵۳.
- کرمی، کامران (۱۳۹۰). *اهداف عربستان سعودی از اتخاذ رویکرد تهاجمی نسبت به سوریه*. مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- کشاورز شکری، سیدعباس؛ صادقیان، هاجر (۱۳۹۲). *سیاست خارجی و مواضع دولت‌های ایران و ترکیه درباره بحران سوریه*. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام. سال سوم، شماره چهارم.
- کوهکن، علیرضا؛ تجری، سعید (۱۳۹۳). *بحران سوریه و سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴)*، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۰، پاییز، شماره ۴۰.
- محمدی، مصطفی (۱۳۹۲). *تلاش عربستان برای تغییر رژیم سوریه*، ماهنامه پیام انقلاب، تهران: دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، ش ۷۶، ۱۹-۱۸.
- محمدی، مصطفی (۱۳۹۱). *مثلث ایران، روسیه و چین در بحران سوریه*، پیام انقلاب، دی‌ماه، شماره ۶۶.
- یزدان فام، محمود (۱۳۸۸). *دولت‌های شکننده و امنیت انسانی*، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، شماره ۴.
- مرادی، اسدالله؛ شهرام‌نیا، امیرمسعود (۱۳۹۵). *بحران سوریه و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۱۵۲-۱۲۵.
- مزاحم، هشتم (۱۳۷۸). *مقاومت در جنوب لبنان؛ قطعنامه ۴۲۵ حزب‌الله و سوریه*، ترجمه حجت رسولی، مطالعات خاورمیانه، شماره ۱۸.
- مسعودنیا، حسین؛ فروغی، عاطفه؛ چلمقانی، مرضیه (۱۳۹۱). *ترکیه و بحران سوریه؛ از میانجیگری تا حمایت از مخالفان دولت*. فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام. سال اول، شماره ۴.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: انتشارات سمت.
- موسوی، حسین (۱۳۸۸). *بلندی‌های جولان و امنیت رژیم صهیونیستی*. فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، شماره ۲.
- موسوی، حسین (۱۳۸۹). *بیم‌ها و امیدها در بحران سوریه*. مطالعات خاورمیانه، شماره ۶۳.

- نبوی، سید عبدالامیر؛ نجات، سید علی (۱۳۹۲). *جریان شناسی گروه‌های نوسلفی سوریه براساس تحلیل گفتمان*، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام. سال چهارم. شماره ۴.
- نصری، قدیر (۱۳۹۰). *تأملی نظری در یافته‌ها و دشواری‌های باری بوزان در بررسی امنیت*، فصلنامه مطالعات و راهبردی، سال چهاردهم، شماره ۴.
- نصری، قدیر (۱۳۸۴). *تأملی روش‌شناختی بر مکتب بافتار منطقه‌ای امنیت*، مطالعات راهبردی، (پاییز)، شماره ۲۹.
- نطق پور، مهدی؛ بشارتی، محمدرضا (۱۳۹۰). *علل همگرایی بین ایران و سوریه و تأثیر آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران*، مطالعات دفاعی و امنیتی، شماره ۶۳.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۹). *شیعه و منازعات سیاسی در خاورمیانه*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۷.
- نیاکویی، امیر؛ بهمنش، حسین (۱۳۹۱). *بازیگران معارض در بحران سوریه، اهداف و رویکردها*، روابط خارجی، شماره ۱۶.
- نیاکوئی، سید امیر؛ اسماعیلی، علی؛ ستوده، علی‌اصغر (۱۳۹۲). *تبیین راهبرد امنیتی ایران در قبال بحران سوریه (۲۰۱۳-۲۰۱۱)*. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام. سال سوم، شماره اول.
- واعظی، محمود (۱۳۹۲). *انقلاب و تحول سیاسی در خاورمیانه*، تهران: مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی.

References

- sadjadpour,karim (2018), iran's unwavering support to assad's syria,combating terrorism center,syria special issue, vol 6, issue 8.
- Uskowi,Nader (2018), "Examining Iran's Global Terrorism Network",Washington Institute for Near East Policy,available at:.,www.washingtoninstitute.org/uploads/Documents/testimony/uskowitestimony20180417.pdf
- yan,holly (2013), "syria allies:why russia, iran and china are standing by the regime", available at: <https://edition.cnn.com/29/08/1013/world/meast/syria-iran-china-russia-supporters/index.html>
- nationalinterest (2019), why iraq is ripe for conflict with israel, available at: <https://nationalinterest.org/blog/buzz/why-iraq-ripe-conflict-israel-75956>.
- Globalsecurity (2019), yemen / houthi missiles,available at:<https://www.globalsecurity.org/wmd/world/yemen/index.html>
- bodansky,yossef (2019), has iran won the war for the middle east?available at: <https://oilprice.com/geopolitics/middle-east/has-iran-won-the-war-for-the-middle-east.html>